

جای خالی کتابخانه و کتاب در مدارس

خلاصه مقاله

تدریس در مدارس به همان آموزشی که معلم در ساعت درس، و از روی متن کتاب درسی به دانش آموزان می‌دهد، خلاصه می‌شود. حال آنکه ثابت شده است مطالعه خارج از کلاسی مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند آموخته‌های کلاسی را در ذهن دانش آموز پایدار کند.

با وجود این واقعیت به آليات رسیده، کتابخانه، و کتاب خوانی بی‌اهمیت‌ترین رکن آموزش و پرورش کشور ما را تشکیل می‌دهد. در مدارس یا کتابخانه‌ای وجود ندارد، و یا اگر هست چندان بی‌اهمیت تلقی می‌شود که رعدش به ز وجود.

بازوری امر آموزش در مدارس هنگامی ممکن خواهد شد که دانش آموز از یک سو به کتاب‌های غیر درسی دسترسی داشته باشد، و از سوی دیگر به کتاب خوانی ترغیب شود و رسیدن به این هدف دشوار نیست در صورتی که اراده رسیدن به آن را داشته باشیم.

کتابخانه‌ای داشته باشد. ولی واقعیت قضیه این است که مشکل اساسی در اکثر موارد عدم وجود فضای مناسب نیست و ما دچار کمبود توجه هستیم. بسیاری از مدیران مدارس، با اندکی توجه می‌توانند در دفتر معلمان مدرسه، قفسه یا قفسه‌هایی را نصب کنند و با یک بسیج عمومی از طریق دانش آموزان، معلمان، خانواده‌ها، مساجد محل و سایر نهادهای خیر، نسبت به تهیه تعداد قابل توجهی کتاب برای کتابخانه اقدام کنند و با ادامه تجهیز همین کتابخانه آن را کاملتر و مجهزتر سازند.

۲- مشکلی که در بند یکم به آن اشاره شد، و آن را کمبود فضای مناسب نامگذاری کردیم، در بعضی موارد با یک پارادوکس عجیب و غریب روبروست که شاید بتوان آن را مانع دوم در توسعه کتابخانه‌ها و امر کتابخوانی به شمار آورد، و آن؛ وجود کتابخانه‌ای مجهز در مدرسه است. شاید تعجب کنید که چطور ممکن است کتابخانه‌ای مجهز، مانعی در توسعه امر کتابخوانی تلقی شود؟ وقتی کتابخانه‌ای مجهز و دارای کتب و قفسه‌های متعدد، کتابدار نداشته باشد و گرد و خاک و بی‌نظمی و بوی رطوبت، تمام اجزای آن را دربر گرفته باشد، چطور می‌توانیم از دانش آموزان انتظار داشته باشیم برای رونق فرهنگ کتابخوانی و افزایش سهم مطالعه خود کوششی شایسته مبذول بدارند.

دبیر وازده یا کتابدار؟

آموزش و پرورش، فقط برای مدارسی که بتوانند، کتابخانه‌ای را حداقل ۲۰۰۰ عنوان کتاب و فضای مناسب راه‌اندازی کنند، کتابدار اعزام می‌کند و این در حالی است که محدودیتهای بودجه‌ای، آموزش و پرورش را وادار ساخته است که رسماً اعلام کند که ما به

تعداد همه مدارس کتابدار نداریم و به جهت اهمیت دبیرستانها، اولویت اعزام کتابدار را برای این دوره تحظیلی منظور کرده‌ایم.

آنطور که از فراین برمی آید، اصلاً آموزشهای کلاسیک و رسمی در قالب تربیت کتابدار مدرسه، در برنامه‌های تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت جایگاهی ندارد و عموماً معدود کتابداران مدارس، که در حال حاضر فقط به دبیرستانها تعلق می‌گیرد، از بین دبیران مازاد که عدم کارایی آنها برای تدریس و سایر امور محرز شده است، برگزیده می‌شوند، که این افراد هم هیچ نوع آموزش در زمینه کتابداری ندیده‌اند و تنها به عنوان انباردار و ناظر به کتابخانه‌های مدارس دخترانه فرستاده می‌شوند. البته، چون در بین معلمان مرد، نیروی مازاد

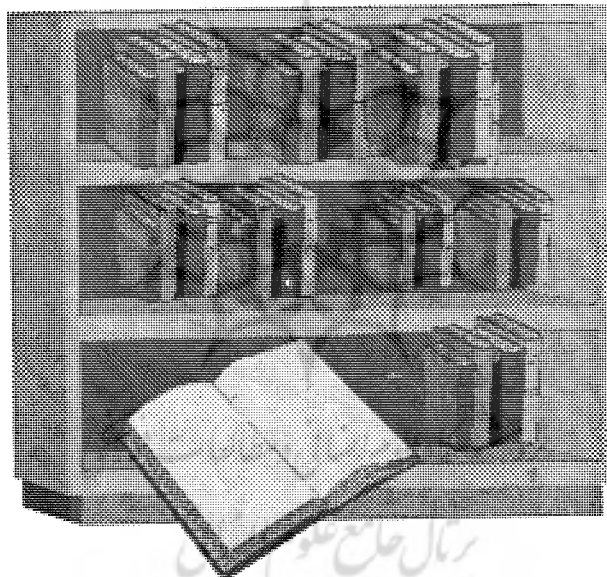
استفاده از کتابخانه‌ها و همچنین وضعیت کتاب و کتابخوانی در مدارس ایران مطلوب نیست. برای جستجو در علل بازمانی رشد و توسعه کتابخانه‌های مدارس و رکود در امر کتابخوانی، به مواردی اشاره

نوشته مرتضی مجدفر کتابخانه، در نظام آموزشی کشورمان دارای چه جایگاهی است؟ اجرای هنگ کتابخانه، در برنامه‌های آموزشی مدارس ایران چه وضعیتی دارد؟ و میزان گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در میان دانش آموزان ایرانی چگونه است؟

اپیزودی که در این شماره از ماهنامه گزارش به کنکاش پیرامون آن پرداخته‌ایم، و غننامه آن را به همراه پیشنهادهایی عرضه داشته‌ایم، مشکل کتابخانه‌های مدارس است که هم اکنون دوران خمود و بی‌روحي را می‌گذرانند و لاقبل در همه آنها زندگی دانش‌آموزی و در یک کلام «فرآیند یادگیری» وجود ندارد.

آن تعریفی که هم اکنون از «کتابخانه» در برنامه‌های آموزشی و پرورشی نظام‌های پیشرفته جهان می‌شود، با آنچه که در مدارس ایران اتفاق می‌افتد، مطابقت ندارد. کتابخانه قلب مدرسه و مکملی است برای آموزشهای کلاسیک و مدرن درون کلاسهای درس.

امکان اینکه معلم، بتواند به یکباره، هر چیزی را که می‌خواهد به دانش‌آموزان خود منتقل کند، اندک است و اصلاً تفاوت‌های فردی فراگیران، چنین امکانی را از وی سلب می‌کند. در این حال، کتابخانه می‌تواند به کمک معلم پشتیبان و دانش‌آموزان نیز می‌تواند با کمک و هدایت و نظارت معلمان، در تکمیل اطلاعات خود کوشش کنند. کتابخانه، می‌تواند منشاء ایجاد سؤال و پیدایش مسأله در ذهن دانش‌آموزان شود و به این ترتیب باعث متنوع شدن مباحث در کلاسهای درس و نیز درون مدرسه شود. از همین راه، و پیدایش و راهیابی سؤال به درون کلاسهای درس، کتابخانه، می‌تواند موجبات تحرک بیشتر معلمان را هم فراهم آورد و با ایجاد تعامل هر چه بیشتر بین دانش‌آموزان و آنها، چرخه مراجعه معلمان به کتابخانه را هم میسر سازد.



کرده‌ایم که علاوه بر آنکه تذکری است برای دست‌اندرکاران امور اجرایی کتابخانه‌های مدارس، در بعضی موارد راهبردی را هم به همراه دارد که امید است مفید افتد. با هم موارد را مرور می‌کنیم:

۱- عدم وجود مکان مناسب در مدارس برای تشکیل کتابخانه، و در واقع کمبود فضای آموزشی و فشاری که نیازهای ناشی از کمبود کلاسهای درس بر نظام آموزشی وارد می‌کند، نخستین مانع برای عدم تشکیل کتابخانه‌ها قلمداد می‌شود. هر زمان که تراکم دانش‌آموزان در مدرسه‌ای بالا می‌رود، نخستین گام حذف کتابخانه و قدمهای بعدی حذف آزمایشگاه، کارگاه، اتاق بهداشت، نمازخانه و تبدیل آنها به کلاسهای درس است؛ و این وضع اصولاً در صورتی اتفاق می‌افتد که مدرسه

رفیق بازی در فروش کتاب به کتابخانه‌های مدارس!

وجود ندارد. کتابخانه‌های مدارس پسرانه، از این نعمت هم بی‌بهره‌اند. و فقط در بعضی مدارس خاص مانند شاهد، نمونه مردمی و نمونه دولتی (و شاید غیر انتفاعی!)، مربیان پرورشی، با حفظ سمت به عنوان کتابدار مدارس مشغول به کار می‌شوند.

البته درست است که فضا و کتابدار دو عامل مهم در قوت بخشیدن به امر کتاب و کتابخوانی در مدارس است، ولی بدون اینها هم می‌توان کار کرد. می‌توان چند قفسه را در دفتر مدرسه به عنوان کتابخانه تعیین کرد و از معاونین و یا مربیان پرورشی خواست که همراه با معلمان، وظیفه امانت‌دهی و دریافت کتابها را برعهده بگیرند. همچنین می‌توان در داخل هر یک از کلاسهای درس، کتابخانه کوچکی را در داخل یک کمد یا یک قفسه کوچک، حداکثر با چهل کتاب راه‌اندازی کرد که متناسب با سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان باشد و آموزگاران دوره ابتدایی، و معلمان ادبیات و یا انشاء دوره راهنمایی، در زنگ انشاء و ساعت‌های بیکاری بچه‌ها، کتابها را از روی شماره و به نوبت بین دانش‌آموزان توزیع کنند. به این ترتیب، کودکان، در طی یک سال تحصیلی، به صورت مدرن و از پیش تعیین شده، با ۳۰ یا ۴۰ کتاب آشنا می‌شوند و فرهنگ مطالعه در بین آنها ترویج می‌یابد. البته خلاصه نویسی و بازگویی قصه‌ها توسط دانش‌آموزان هم می‌تواند مدنظر قرار گیرد. بنابراین کمبود یا نبود فضای ویژه‌ای برای کتابخانه، نمی‌تواند مانع از اجرای مقوله کتابخوانی در مدارس، و به ویژه در دوره ابتدایی شود، ولی می‌تواند در روند کتابخوانی تأثیر بگذارد.

۳- مشکل دیگری که باعث شده است فرهنگ کتابخوانی و توجه به گسترش کتابخانه‌ها جدی گرفته نشود، عدم اختصاص یک ساعت درسی به کتابخانه در برنامه‌های درسی مدارس است. دانش‌آموز باید در زنگ خاصی از ساعات درسی خود، به صورت مستمر در کتابخانه مدرسه حضور داشته باشد و با برنامه‌های متنوع آموزشی و تربیتی همچون قصه‌خوانی توسط مربی، روخوانی توسط دانش‌آموز، خلاصه نویسی، رسم نقاشی، اجرای نمایش قصه‌ها و... او را با کتابخوانی آشنا کرد. همچنین می‌توان با کاهش حجم بعضی از دروس و کم کردن ساعت درسی آنها، زنگ کتابخانه را به طور رسمی در برنامه‌های مدارس گنجانده و حتی برای این درس که می‌تواند نام آن «آشنایی با کتاب و

کتابخوانی» باشد، می‌توان نمره‌ای مستقل هم در کارنامه اختصاص داد.

اکنون به دلیل اجرای برنامه‌های درسی جدید در دوره راهنمایی، بعضی از ساعات دانش‌آموزان بدون برنامه و خالی از دروس باقی‌مانده است که می‌توان با کمک مربیان پرورشی، مدیر و معاونان مدرسه و نیز دانش‌آموزان و احیاناً کتابداران که در مدارس غیرانتفاعی امکان بهره‌مندی از وجود آنها میسر است، این ساعت‌های خالی را به زنگ کتابخانه و کتابخوانی تبدیل کرد.

هرز دادن اندیشه و بودجه

۴- خرید کتاب برای کتابخانه‌های مدارس براساس نیاز سنجی انجام نمی‌گیرد و این، دیگر مشکلی است که کتابخانه‌های آموزشگاهی با آن روبرو هستند. دانش‌آموز دوره ابتدایی، لذت کتاب خواندن را بیشتر با مطالعه یک قصه کودکانه که با خصوصیات سنی و ویژگیهای روحی و روانی او تطابق داشته باشد، درک و حس می‌کند تا با مطالعه یک کتاب خشک علمی و بدون تصویر. در کتابخانه‌های مدارس ما، به ندرت کتاب جدید یافت می‌شود و به نیاز اساسی دوره ابتدایی که خرید کتاب داستان و قرار دادن آن در مجموعه کتابهای مدرسه است، توجه چندانی نمی‌شود. کودکانی که به پایه انتهایی دوره تحصیلی خود قدم می‌گذارند (پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی و چهارم دبیرستان)، معمولاً کمتر به کتابخانه رفت و آمد می‌کنند، و اولیای مدرسه، دلیل اساسی آن را در این می‌دانند که این دانش‌آموزان، با معضل و پدیده‌ای به نام امتحان نهایی روبرو هستند و از این رو، از کتابخانه مدرسه کمتر استقبال می‌کنند. ولی، این همه دلایل نیست. وقتی دانش‌آموز علاقه‌مند کتاب به پایه انتهایی دوره تحصیلی خود می‌رسد، تمام کتابهای کتابخانه مدرسه را خوانده و یا لااقل مرور کرده است و چون عنوان و مجموعه جدیدی در بین کتابها پیدا نمی‌کند، رغبت خود را از دست می‌دهد و از رونق کتاب و کتابخوانی در کتابخانه مدرسه می‌کاهد. همچنین حتی در بسیاری از مدارس معروف شهر تهران که شهره عام و خاص‌اند و پرورش دانش‌آموزان نخبه از اهم وظایف و اهداف آنها به شمار می‌رود، تعداد کتابهای علمی درست و حسابی، در حد دانش‌آموزانی که می‌خواهند قدری فراتر از کتاب مطالعه کنند، خیلی محدود است و یا اصلاً وجود ندارد. بسیاری از کارشناسان علوم تربیتی، نبود کتابهای علمی جدید را، از مشکلات اساسی کتابخانه‌های آموزشگاهی، به ویژه در دوره دبیرستان می‌دانند و اعلام می‌کنند بودجه‌های محدودی که برای خرید کتاب اختصاص می‌یابد، در راه درست خود هزینه نمی‌شود. مثلاً در اکثر کتابخانه‌های مدارس ابتدایی و راهنمایی، دوره کامل اصول فلسفه و روش رئالیسم، مجموعه ۴۰ جلدی تفسیر المیزان و تفسیر نمونه و مجموعه کامل کتابهای استاد شهید مطهری، بلااستثناء وجود دارد. هر چند این آثار، و بسیاری آثار دیگر، جزو ذخایر معنوی فرهنگ اسلامی و از یادگارهای گرانسنگ علمای انقلاب اسلامی هستند، ولی وجود آنها در مدارس

ابتدایی و راهنمایی، و حتی در بعضی مواقع دبیرستانها، حبس اندیشه‌ها و نیز هرز دادن بودجه‌هایی است که برای خرید آنها اختصاص یافته است. اکنون، دیگر بر همه مشخص شده است که لزوم تعدیل در کتابهای موجود در کتابخانه‌های مدارس، بر اساس تطابق محتوای آنها با سن دانش‌آموزان ضروری و اجتناب ناپذیر و جدی است.

فروش کتابهای تحمیلی

۵- سالانه در ایام مختلفی از سال تحصیلی، نمایشگاههای کتابی در مدارس سراسر کشور تشکیل می‌شود و کتب متعددی به فروش گذاشته می‌شود. همچنین از سوی آموزش و پرورش و واحد کتابخانه‌های امور پرورشی مناطق، شهرستانها و نواحی، کتبی به رایگان و یا در قبال اخذ وجه به مدارس تحویل داده می‌شود که به نظر می‌رسد می‌تواند در غنی‌سازی کتابخانه‌ها اثرات مثبتی از خود به جای بگذارد. ولی در عمل، همواره چنین نمی‌شود. یکی از دلایل عدم وجود تحول در امر کتابخانه‌های مدارس، فروش کتابهای تحمیلی از سوی ادارات آموزش و پرورش به واحدهای آموزشی است. بعضی مواقع، کتابهایی از سوی آموزش و پرورش به مدارس تحویل داده می‌شود که عمدتاً مربوط به یک ناشر دولتی است، که فقط در محدوده خاصی کار می‌کند؛ و به هیچ وجه نمی‌تواند همه نیازهای مدارس را مرتفع سازد. علاوه بر اینها، به نظر می‌رسد، توافقیهای پشت پرده‌ای هم در امر فروش این کتابها، وجود داشته باشد. در نمایشگاههای کتاب متعددی که سال قبل در دهه فجر در مدارس برگزار شد، فقط کتب دو یا سه ناشر در آنها ارائه شد که با استقبال جدی و قابل توجهی نیز روبرو نشد. در یک کلام، شاید بتوان مانع دیگر گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و توسعه کتابخانه‌های آموزشگاهی را در هرز دادن بودجه‌های مربوطه از طریق اختصاص خریدهای تک بعدی و اعمال قراردادهای پشت پرده و رفاقت بازی در گزینش کتابها دانست.

۶- یکی دیگر از دلایل عدم توفیق در امر گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان، عدم آموزش روشهای مختلف مطالعه به دانش‌آموزان و دیگر دانش‌آموختگان در سنین مختلف است. جای خالی آموزش روشهای گوناگون مطالعه و کتابخوانی در مدارس ما، مشهود است و بهتر است در این مورد، اقدام جدی و بایسته‌ای از دوره ابتدایی به عمل آید و چگونگی مطالعه کتاب، روشهای انتقال اطلاعات و حتی سریع خوانی را به دانش‌آموزان یاد بدهیم. البته، باید قبل از آموزش سریع خوانی، صحیح خوانی هم آموزش داده شود.

۷- دلیل دیگری که باعث می‌شود، بچه‌های دانش‌آموز و دانشجویان، رغبتی به مطالعه نداشته باشند و کتابخانه‌ها بی‌رونق باشد، کمبود جدی کتابهای مرجع در کتابخانه‌های مدارس و دانشگاهها است. این گونه منابع آموزشی (مانند دایره‌المعارفها، فرهنگها، واژه‌نامه‌ها و...) معمولاً جایگاهی در کتابخانه‌ها ندارند همچنین نشریات به ویژه مجلات و هفته‌نامه‌ها و

ماهانامه‌های علمی و نیز نشریات مربوط به نسل جوان، به کتابخانه‌های مدارس راه پیدا نمی‌کنند که فکر می‌کنم بیشتر به سبب کمبود بودجه مدارس بری خرید این قبیل نشریات باشد که به نظر می‌رسد تفکر جدی و ارائه راهبردهای اجرایی در این زمینه اجتناب ناپذیر باشد. در کنار این دو معضل، مشکل دیگری را هم می‌توان مطرح کرد که به نوعی بادو مورد اشاره شده (کمبود کتب مرجع و نبود نشریات نسل جوان در کتابخانه) ارتباط دارد و آن خرید کتابهای متعدد از یک عنوان می‌باشد. واقعاً وقتی ما با کمبود بودجه روبرو هستیم و هزینه‌های کتابخانه خودمان را با التماس و خواهش و تمنا تهیه کرده‌ایم؛ چه دلیلی دارد که به خرید چند عنوان از یک کتاب روی بیاوریم. این امر، علاوه بر اینکه منابع مدرسه را هدر می‌دهد، در ذهن دانش آموز هم دیدگاه منفی ایجاد می‌کند.

۸. معضل دیگر در عدم بهره‌گیری مطلوب از کتابخانه‌ها نهفته است. واقعیت این است که فرهنگ نگرش به چگونگی استفاده از کتابخانه، هنوز در بین متولیان مدارس ما و دست‌اندرکاران نظام آموزشی جایفتاده است. کتابخانه، یک ابزار نرم افزاری است که در خدمت تکنولوژی آموزشی قرار می‌گیرد، و می‌تواند

به عنوان یک مکان فرهنگی مناسب برای تکمیل آموخته‌های دانش آموزان، مورد استفاده و بهره‌برداری مطلوب معلمان قرار گیرد. اگر از روشهای کاربردی و متنوع در برنامه‌های کتابخانه‌های مدارس استفاده کنیم و ترتیبی بدهیم که معلمان هم به کتابخانه‌ها راه پیدا کنند، کتابخانه به عنوان یکی از بخشهای مهم مرکز یادگیری مدرسه، که مجموعه‌ای متشکل از کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه، نوارخانه، مرکز سمعی و بصری و... است، نمود جدی پیدا خواهد کرد.

تشکیل گروههای کوچک دانش آموزی، راه‌اندازی گروههای مباحثه برای بحث بر روی مطالب کتابهای موجود در کتابخانه، تشکیل مستمر زنگ انشاء در کتابخانه، بهره‌مندی از کتابخانه مدرسه برای ترغیب دانش آموزان به تهیه مقالات سودمند و تشکیل سمینارهای دانش آموزی، برگزاری مسابقات کتابخوانی در ابعاد مختلف علمی و

فرهنگی و مذهبی، اختصاص بخشی از نمرات دانش آموزان به تحقیقات کتابخانه‌ای و ارائه آنها در کلاس درس، از شیوه‌های کارآمدی است که می‌توان به مدد کتابخانه، از آنها در امر آموزش استفاده کرد.

۹. عدم تخصیص بودجه کافی از سوی نهادها و افراد ذریعت برای تجهیز و نگهداری کتابخانه‌ها، یکی دیگر از مشکلات اساسی کتابخانه‌ها است، که لازم است

توسط برنامه‌ریزان اقتصادی و نیز مدیران مدارس در بودجه‌های دولتی و کمکهای مردمی مدنظر قرار گیرد. در این میان، هفته کمک به کتابخانه‌ها، بیشتر جنبه تبلیغی به خود گرفته و عمدتاً کتابهایی برای مدارس جمع‌آوری می‌شوند که کاربرد چندانی در مدرسه ندارند.

پیشنهاد می‌شود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ترتیبی اتخاذ کند که ناشرینی که از امکانات دولتی استفاده می‌کنند، تعداد مشخصی از هر عنوان کتاب خود را به مرکزی که مدیریت آن بطور مشترک برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش خواهد بود، اهدا کنند تا توسط آموزش و پرورش، بر اساس درجه سنی دانش آموزان و نیازهای مدارس، بین آنها توزیع شود. حتی می‌توان سهم مالیاتی ناشران را هم به این امر اختصاص داد.

انتخاب یک بعدی

۱۰. به نظر می‌رسد، اشکال سازمانی دوا بر مرتبط با امر کتاب و کتابخانه‌های مدارس نیز در عدم گسترش کتابخانه‌ها مؤثر باشد. متولی امر کتاب و کتابخانه‌ها در آموزش و پرورش، اداره کل امور فرهنگی و هنری معاونت پرورشی است و چون دست‌اندرکاران امر،

راگسترش داده‌ایم، هر از چند مدت یکبار مورد بررسی و بازرینی و تصفیه قرار می‌گیرند. برخورد غیرآگاهانه برخی مدیران مدارس در مورد نحوه تصفیه و جداسازی بعضی از کتب، نیز، یکی از مشکلات است. به عبارتی، کتابی از فلان مؤلف، که توسط بهمان مدیر تصفیه شده و حتی معدوم شده است، توسط مدیر دیگری و با صرف هزینه‌ای دیگر، خریداری می‌شود و به مجموعه افزوده می‌شود و این، یکی از مشکلات است. این برخورد، ابعاد مختلفی دارد و عموماً سلیقه‌ای و بر اساس دیدگاههای افراد متغیر است و حتی به زده‌های بالاتر از مدرسه، همچون بخش کتابخانه‌ها، معلولین پرورشی و ادارات کل نیز تشری می‌یابد. در هر صورت، در این خصوص استراتژی منسجمی ارائه نشده است و تصفیه کتابها، خود یکی از معضلات اساسی در گسترش کتابخانه‌ها و فرهنگ کتابخوانی است.

۱۲. عدم معرفی دانش آموزان به کتابخانه‌های دیگر هم، از مسایلی است که خود دانش آموزان بیش از سایرین به آن اذعان دارند. گر دانش آموزی علاقه مند، کتاب خاص و مورد علاقه خود را در کتابخانه مدرسه پیدا نکند، مسئولین مدرسه باید ترتیبی اتخاذ کنند که این دانش آموز به نزدیکترین کتابخانه عمومی در حول و حوش



آموزشگاه معرفی شود. ایجاد ارتباط بین کتابخانه‌ای، راهبردی است که می‌تواند موفقیت دانش آموزان علاقه‌مند به کتاب و کتابخوانی را تضمین کند.

مشکل کتابخانه‌های مدارس و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و ارائه راهبردهای اجرایی برای رفع این معضل فرهنگی نیاز به تأمل بیشتری دارد و لذا در نوبت دیگری باز هم در این باره خواهیم نوشت. □